

برگزاری نشست پژوهشی "تقابل نظام های ارزشی هنرهای بصری در ایران از منظر جامعه

شناسی" از سوی انجمن علمی هنرهای تجسمی ایران در:

پنجمین همایش کنکاش-های مفهومی و نظری دربارهٔ جامعهٔ ایران:

«دگرگونی‌ها و پایداری‌های جامعهٔ ایران: امیدها و بیم‌ها»

جامعهٔ ایران سدهٔ گذشته را حین بسی دگرگونی‌ها گذراند که طی گسترش تنوع، دامنه و ابعاد به سدهٔ کنونی رسیدند. نفس دگرگونی اجتماعی اجتناب-ناپذیر و گاه موجب تداوم یا تکامل جامعه است، که می‌تواند بر حسب شتاب دگرگونی با دوره‌هایی از آنومی نیز همراه باشد؛ اما شاید از یک سو طول دوران و شدت دگرگونی و ارزش‌هایی که حین دگرگونی خلق می‌شوند و از سوی دیگر میزان آنومی باشد که سرنوشت جامعه را در فراز و فرود دگرگونی‌ها رقم می‌زند؛ به دیگر تعبیر، سرنوشت جامعه می‌تواند تابع نسبت «میزان هنجارمندی جامعه پس از هر گذار آنومیک» با «ارزش‌های خلق شده حین دگرگونی» باشد. لذا در وهلهٔ نخست، شناخت خود دگرگونی‌ها، توصیف ماهیت، ابعاد، علل بعید و عواملی بلافصل که موجب آنها شده‌اند، حائز اهمیت هستند، سپس ارزیابی اثر نهائی و نتیجهٔ کنونی هر یک از روندهای دگرگونی و سرانجام آیندهٔ آنها.

گفت و گوی ما دربارهٔ یک جامعهٔ خاص است که به‌عنوان یک «جامعهٔ ملی» واجد موجودیت تاریخی و مستمر خویش و با خصوصیات تاریخی - اجتماعی خاص خود آن، بررسی می‌شود؛ یعنی «ایران». یکی از راستاهای اصلی همایش پنجم «موجودیت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران» و ابعاد گوناگون آن است. لذا هم از حیث نظری هم از حیث تجربی، به عوامل موجد و مقوم گذشته، حال و آیندهٔ آن پرداخته می‌شود. یعنی به آن عناصر فرهنگ تاریخی ایران که در سطح کلان تاریخی در شمار شرایط بقاء ایران بوده و هستند.

در عین حال جامعهٔ امروز ایران با مسائلی عدیده مواجه است که برخی از آنها از دید صاحب نظران مصداق بحران دانسته می‌شوند: از کلان‌ترین آنها در مقیاس تاریخی، مانند ناتوانی (مطلق یا نسبی) در ایجاد دولت - ملت و بحران تولید (تولید معنا، خلق ارزش، روابط اجتماعی پایدار، بازتولید خود و ...) تا سطوح میان-نهادی و روابط میان-نهادی، و خردترین آنها در مقیاس روابط فرد با فرد و با جامعه.

پنجمین «همایش کنکاش-های مفهومی و نظری دربارهٔ جامعهٔ ایران» به موضوع «دگرگونی‌ها و پایداری‌های جامعهٔ ایران: امیدها و بیم‌ها» اختصاص یافته است. انتظار نمی‌رود دگرگونی‌های وسیع و ژرف به‌یکباره متوقف شوند یا تغییر جهت دهند یا حتی از شدت‌شان کاسته شود. دگرگونی‌ها به‌شدت ادامه دارند و هم می‌توانند زمینه‌سازِ پویاها، جنبش‌ها و نهادمندی‌هایی باشند که جامعه را به سمت توسعهٔ ظرفیت‌های ملی برای آفرینش معنی، کاهش بحران‌های اجتماعی، رفع مشکلات، تقویت ظرفیت‌های توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی و بهبود زندگی

مردم سوق دهند، هم می‌توانند زمینه‌ساز ناتوانی جامعه از ایجاد و بسط معنی، ارزش و هنجار و موجب وقوع بحران‌هایی باشند که همبستگی اجتماعی و ملی و مآلاً خوشبختی آحاد جامعه را تهدید می‌کنند.

در هر سه راستای بالا، بررسی «منطق، مفاهیم، معیارها و شاخص‌های ارزیابی روند دگرگونی‌ها»، «نسبت رویکردها، مفاهیم و طرح مسأله‌ها با واقعیت تاریخی و اجتماعی ایران»، «شرایط، حالت، وضعیت و نوعی از زندگی اجتماعی که بحران قلمداد می‌شود» و «اعتبار و روایی نظریه‌های موجود» در دستور کار همایش قرار دارند.

◆ هدف همایش

مهم‌ترین هدف همایش، ایجاد امکان گفت‌وگو و مباحثه اصولی جمیع اهالی علوم اجتماعی، صاحب نظران، اندیشمندان و علاقه‌مندان درباره ایران، آثار دگرگونی‌های اجتماعی ایران طی سده اخیر و چشم‌اندازهای گوناگون امیدآفرین یا بیم‌زای آینده این دگرگونی‌هاست.

◆ محورهای همایش

- ویژگی‌های اصلی، توصیف، تعلیل (تبیین) و گونه‌شناسی (طبقه‌بندی) دگرگونی‌های اجتماعی ایران معاصر.
- دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از آنومی و انواع دگرگونی‌های افزایشنده آنومی: چشم‌اندازهای امیدآفرین و بیم‌زا
- ارزیابی و نقد نظریه‌های توصیفی و تبیینی دگرگونی‌ها و بحران‌های اجتماعی ایران معاصر.
- ویژگی‌های اجتماعی و عناصر فرهنگی موجودیت تاریخی - اجتماعی ایران و عوامل بقای آن.
- گونه‌شناسی چالش‌هایی که موجودیت اجتماعی ایران با آنها روبه‌روست.
- ارزیابی نظریه‌های ناظر به موجودیت ایران و نظریه‌های ناظر به چالش‌های فرا روی ایران.
- نسبت ایران به عنوان یک امر اجتماعی و تاریخی (مفهوم ایران) با سرزمین ایران.
- چالش‌های هویتی: تعارضات و هماهنگی‌های مؤثر و شایان توجه میان ابعاد گوناگون هویت ایرانی.
- ارزیابی تاب‌آوری مجموعه زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی (معرفتی) و اقتصادی ایران حین رویارویی با تهدیدها در هر دو مقیاس تمدنی و اجتماعی.

□ نیروها، طبقات، گروه‌ها و جریان‌های مولد و تشدیدکننده بحران (جامعه بحران آفرین)؛ نیروها، طبقات، گروه‌ها و جریان‌های مولد نظم و نیروهای مقاوم در برابر بحران (جامعه هنجارآفرین) در ایران.

■ گونه‌شناسی، خصوصیات، تبیین و آینده‌نگری بحران‌های اجتماعی: چشم‌انداز کوتاه‌مدت و بلندمدت

تعامل‌ها و تعارض‌های دگرگونی‌های اجتماعی جامعه ایران و حوزه فرهنگی - تمدنی ایران با حوزه‌های همجوار و تأثیر هر کدام بر بقای دیگر جوامع منطقه.

چکیده نشست پژوهشی:

"تقابل نظام های ارزشی هنرهای بصری در ایران از منظر جامعه شناسی"

برگزار کننده: انجمن علمی هنرهای تجسمی ایران

در:

پنجمین همایش کنکاش های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران

دبیر نشست: دکتر زهرا حسین نژاد

رئیس انجمن علمی هنرهای تجسمی ایران

استادیار و عضو هیات علمی گروه گرافیک دانشگاه علم و فرهنگ، تهران.

Hoseinnezhad@usc.ac.ir

با حضور:

دکتر آرش حیدری

استادیار و عضو هیئت علمی گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علم و فرهنگ، تهران

Arash.heydari83@gmail.com

دکتر فواد نجم الدین

استادیار و عضو هیات علمی گروه گرافیک دانشگاه علم و فرهنگ، تهران.

f.najmedin@usc.ac.ir

۱. نسبت "مساله نشست با مساله همایش"

با توجه به مساله همایش در رابطه با دگرگونی‌ها و پایداری‌های جامعه ایران: امیدها و بیم‌ها؛ به نظر می‌رسد با عنایت به ارتباطات روزافزون و درهم تنیدگی روبه رشد جوامع، اثرپذیری جوامع و ملل جهان از فرایندهای تقابل نظام‌های ارزشی هنرهای بصری در ایران از منظر جامعه‌شناسی غیرقابل انکار است. این مهم و تکیه بر رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر به این امر منجر می‌شود که بتوان از بازنمایی تأثیرپذیری دوگانه‌ی تقابلی یا تعاملی از فرایندهای ارزشی در متن آثار هنری و به طور خاص هنرهای بصری و تجسمی که محمل ارتباطات بصری در عرصه ملی و بین‌المللی است، سخن گفت.

۲. پاسخ مجموعه مباحث نشست به مساله خود (مساله خود نشست)

در جامعه‌شناسی هنر، با نگاه بیرونی به آثار هنری، ابعاد مهمی از تولید و عرضه و دریافت آنها آشکار می‌شود. از سوی دیگر، یکی از راههای مطالعه موضوعات مختلف مرتبط با تولیدات هنری، بررسی نحوه‌ی تقابل نظام‌های ارزشی هنرهای بصری در ایران از منظر جامعه‌شناسی است. هنرهای بصری، هنر مهم دنیای معاصر است که بازتاب بسیاری از موضوعات فرهنگی و اجتماعی را می‌توان در آن دید و مورد مطالعه دقیق قرار داد. از این رو با بررسی شیوه بازتاب ابعاد جامعه‌شناختی در آن، می‌توان به شناخت خوبی از وضعیت و جایگاه هنرهای بصری در سپهر فرهنگی و اجتماعی ایران معاصر دست یافت که پاسخ به مجموعه مباحث نشست حاضر را در بر می‌گیرد.

۳. پاسخ مجموعه مباحث نشست به مساله همایش

— از دیدگاه جامعه‌شناسی، امروزه با سه گزاره مجزا در مقام سه نظام زیبایی‌شناختی -هنری متفاوت روبرو هستیم که هر کدام دامنه ارزش‌گذارانه خود را حکمرانی می‌کند و در همین دامنه، اطلاق و تعریف هنر را به صورتی متمایز تعریف می‌کند. این سه ارزش به ترتیب در نشست حاضر به ارزش‌های: "فنی-شبه‌سازی"، "زیبایی‌شناختی" و "مفهومی" تعریف شده است؛ روشن است که هر یک از این سه ارزش به صورت مستقل تعریف می‌شود و وابستگی مفهومی به دیگری ندارد و پاسخ این مساله در گفتمان "نظام ارزش‌گذاری هنر در فرهنگ عمومی ایران" مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

- می‌توان از فرم‌های هنری و نسبتشان با حیات اجتماعی سخن گفت که اگر هنر نتواند عرصه‌ای برای بروز توانش‌ها، زیست‌جهان‌ها، تخیلات، آرمان‌ها و آرزوهای یک اجتماع باشد به زائده‌ای بی‌فایده بدل خواهد شد که خصلت‌های رهایی‌بخش خود را از دست داده است. اگر کار اندیشه، تولید مفهوم باشد، کار هنر تولید تصویر است و این هر دو نسبتی دارند با قوه خیال. مسئله اینجا است که هنر تا چه حد تصویری از رهایی و ایجابیت‌های زندگی می‌سازد و تا چه حد عرصه‌ای است برای امتناع زندگی. عقب‌گرد هنر به بازار یا پروپاگاندا و یا فروکاستش به علم‌الاخلاق همه و همه ناممکن کردن پیوند ارگانیک هنر با حیات اجتماعی است در کثرتش. در این نقطه است که نسبت زندگی اجتماعی و هنر را می‌توان فهم کرد و پاسخ این مساله در گفتمان " کار هنر و ایده رهایی " مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

چکیده سخنرانی

نظام ارزش گذاری هنر در فرهنگ عمومی ایران

فواد نجم‌الدین

استادیار و عضو هیات علمی گروه گرافیک دانشگاه علم و فرهنگ، تهران.

f.najmedin@usc.ac.ir

هنر و متعلقات آن، اساساً مفهومی مبهم و همزمان قدیم و جدید است. از یک سو مبهم است، زیرا موارد فراوان اختلاف در اطلاق آن به مصادیق، جامعه هنری را به هم می‌پیچد؛ و از دیگر سو، به شکلی تناقض‌آلود، هم خاستگاهی سنتی و تاریخی در فرهنگ و زبان دارد؛ و هم ریشه از زیست و فرهنگ امروزی و معنایی مدرن و گسسته از سنت می‌گیرد.

امروز اگر در یک گفتگوی روزمره، چه در دانشگاه یا گالری و چه در یک معبر عمومی سخن از هنر و نقاشی برود، معنای مراد از آن، اغلب از یکی یا ترکیبی از این خاستگاه‌ها برمی‌خیزد و نکته جذاب اینجاست که به نظر می‌رسد میان پایگاه اجتماعی و ترکیب انواع سرمایه‌های نمادین، با این دریافت از هنر، روابط قابل تبیینی به چشم می‌خورد.

در ادبیات نظری موجود، "بورديو" در دهه هشتاد میلادی، کوشیده است که پیوندهای میان سرمایه‌های نمادین و مصرف روزمره زیبایی‌شناسی را خصوصاً در تماشای فیلم در میان لایه‌های اجتماعی شهر پاریس تبیین کند. "سارا شریعتی" نیز با الهام از همین پیوند تلاش کرده است ارزش‌ها و فهم هنر را در پیوند با سرمایه تحصیلی و پس از آن خاستگاه اجتماعی تبیین کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد الزاماً میان مقطع تحصیلی شهروندان و فهم و اقبال‌شان نسبت به سبک‌های مدرن نقاشی و آنچه شریعتی "هنر مشروع" می‌خواند وجود ندارد و ریشه‌های این اقبال بیشتر در خاستگاه‌های فرهنگی و پس‌زمینه خانوادگی اشخاص نهفته است. اگر به پیوند هنر و نظام‌های ارزش‌گذارانه بازگردیم، می‌توان فهم هنر را در سه رده عامیانه، میان‌مایه و مشروع دسته‌بندی کرد و هر سه در یک نظام واحد زیبایی‌شناختی و در قالبی سلسله‌مراتبی یکی پس از دیگری قرار می‌گیرند. به این ترتیب، کسی که مثلاً سلیقه میان‌مایه دارد، در این نظام سلسله‌مراتبی، در جایگاهی نازل‌تر از سلیقه مشروع جای می‌گیرد. به این ترتیب، این پژوهش به صورت پیش‌فرض پذیرفته است که یک نظام واحد زیبایی‌شناختی وجود

دارد که ایده آل آن سلیقه و هنر مشروع است؛ و آنچه مثلاً در گالری‌های تجسمی تهران به نمایش درمی‌آید، عامل تحمیل و تثبیت این نظام است. شواهد فراوان برخاسته از تجربه امروز در پژوهش حاضر حاکی از آن است که چنین تفسیری قادر به ارائه بازتابی کامل از نقشه زیبایی‌شناختی جاری نیست.

از دیگر سو، امروز آشکارا حداقل با سه گزاره مجزا، در مقام سه نظام زیبایی‌شناختی - هنری متفاوت روبرو هستیم که هر کدام دامنه ارزش‌گذارانه خود را حکمرانی می‌کند و در همین دامنه، اطلاق و تعریف هنر را به صورتی متمایز تعریف می‌کند. این سه ارزش به ترتیب در پژوهش حاضر به ارزش‌های: "فنی-شبه‌سازی"، "زیبایی‌شناختی" و "مفهومی" تعریف شده است؛ روشن است که هر یک از این سه ارزش به صورت مستقل تعریف می‌شود و وابستگی مفهومی به دیگری ندارد. بر خلاف تصور آغازین می‌توان تحت هر سه نظام ارزش‌گذارانه فوق، یک نظام مالی بازار از جنس رویدادها، یک نظام مشروعیت‌بخش از جنس انواع گالری و فضای عرضه و یک نظام تقاضا، از جنس مخاطبانی دارای اعتماد به نفس و باورمند در تمامی سطوح اقتصادی ترسیم کرد و نشان داد که بر خلاف نقشه منتج از پژوهش شریعتی، این سه نظام از نقطه آغاز تعریف هنر در معنای جدید آن در جامعه شهری ایران حاضر بوده و در نسبت‌های مختلف تقسیم قدرت، در کنار یکدیگر زیسته و در صورت‌بندی امروز نیز در کنار یکدیگر حاضر هستند.

واژگان کلیدی:

فرهنگ عمومی، نظام ارزش‌گذاری، هنر، ارزش، گالری

چکیده سخنرانی

کار هنر و ایده‌رهای

آرش حیدری

استادیار و عضو هیئت علمی گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علم و فرهنگ، تهران

Arash.heydari83@gmail.com

این پرسش که هنر به چه کار می‌آید، پرسشی است اساسی. پرسش درباره‌ی کار هنر می‌تواند از منظری اقتصادی یا ایدئولوژیک طرح شود و هنر را همچون ابزار و زائده‌ای بر بازار و سیاست بخواند. در این نقطه اثر هنری چیزی بیش از یک کالا یا یک بلندگوی تبلیغاتی نخواهد بود. طرح پرسش درباره‌ی کار هنر از موضعی بازار زده یا ایدئولوژی زده، شیوه‌ی رایج تقابل با هنر و بی‌ارزش‌سازی آن است. اما از افقی دیگرگون نیز می‌توان به پرسش درباره‌ی کار هنر پرداخت. اگر این پرسش را در نسبت با زندگی و سیاست زندگی طرح کنیم، مسئله‌ی محوری در اینجا بازگشت به زندگی در وجوه چندگانه و کثیرش است و نه فروکاستن آن به سطحی علم‌الاخلاقی یا بازاری. در اینجا مسئله این است که زیبایی و هنر چه نسبتی با زندگی و بالقوگی‌ها و فعلیت‌هایش برقرار می‌کنند؟ آیا زیبایی و هنر در خدمت زندگی و حرکات آن است یا نیرویی علیه آن. آیا امر زیبا و کار هنری، عرصه‌ای است برای شدن زندگی یا نگهداشت نیروی سیال و خلاق آن. در اینجا است که می‌توان از فرم‌های هنری و نسبتشان با حیات اجتماعی سخن گفت. در اینجا است که اگر هنر نتواند عرصه‌ای برای بروز توانش‌ها، زیست‌جهان‌ها، تخیلات، آرمان‌ها و آرزوهای یک اجتماع باشد به زائده‌ای بی‌فایده بدل خواهد شد که خصلت‌های رهایی‌بخش خود را از دست داده است. اگر کار اندیشه، تولید مفهوم باشد، کار هنر تولید تصویر است و این هر دو نسبتی دارند با قوه‌ی خیال. مسئله اینجا است که هنر تا چه حد تصویری از رهایی و ایجابیت‌های زندگی می‌سازد و تا چه حد عرصه‌ای است برای امتناع زندگی. عقب‌گرد هنر به بازار یا پروپاگاندا و یا فروکاستش به علم‌الاخلاق همه و همه ناممکن کردن پیوند ارگانیک هنر با حیات اجتماعی است در کثرتش. در این نقطه است که نسبت زندگی اجتماعی و هنر را می‌توان فهم کرد.

واژگان کلیدی:

کار هنر، خیال، رهایی، زندگی

Work of art and the idea of redemption

Work of Art. Imagination. Redemption, life

برگزاری همایش ۲۵ و ۲۶ خرداد ۱۴۰۱

◆ دبیر همایش: اسمعیل خلیلی

◆ دبیر اجرایی: علی نوری

◆ شماره تلفن دبیر اجرایی همایش: ۰۹۳۵۱۴۴۵۵۴۴

◆ رایانامه (ایمیل) همایش: isa.kankash5@gmail.com

◆ دبیرخانه همایش: دفتر انجمن جامعه‌شناسی ایران



روابط عمومی انجمن علمی هنرهای تجسمی ایران

www.avoa.ir

info@avoalr

Tell: 91017584

@art_avoa.ir